



## The Institute of Ismaili Studies

**عنوان:** شهروندی در حکومت‌های دارای اکثریت مسلمان

**نویسنده:** پروفسور کریم ه. کریم

**منبع:** این مقاله اولین بار در سی. آر. پی. اینسایت (حقوق و مسئولیت‌های شهروندی – پاکستان)، ابتکاری از طرف انستیتوی دانشگاه آقاخان برای توسعه‌ی آموزشی (اکتبر ۲۰۰۳)، ۱-۲ منتشر گردید.

تم الحصول على حقوق النشر من الناشر المذكور.

إن استخدام المواد الموجودة على موقع معهد الدراسات الإسماعيلية يشير إلى القبول بشروط معهد الدراسات الإسماعيلية لإستخدام هذه المواد. كل نسخة من المقال يجب أن تحتوي على نفس نص حقوق النشر التي تظهر على الشاشة أو التي تظهر في الملف الذي يتم تحميله من الموقع. بالنسبة للأعمال المنشورة فإنه من الأفضل التقدم بطلب الإذن من المؤلف الأصلي والناشر لإستخدام (أو إعادة استخدام) المعلومات ودائماً ذكر أسماء المؤلفين ومصادر المعلومات.

## شهروندی در حکومت‌های دارای اکثریت مسلمان

پروفسور کریم ه. کریم

این مقاله اولین بار در سی. آر. پی. اینسایت (حقوق و مسئولیت‌های شهروندی - پاکستان)، ابتکاری از طرف انستیتوی دانشگاه آفاخان برای توسعه‌ی آموزشی (اکتبر ۲۰۰۳)، ۲-۱ منتشر گردید.

ایده‌های امروزی دربارہی [نظریه‌های] شهروندی از قرن هجدهم شروع می‌شود اگرچه نظریه‌پردازان سیاسی در مورد این مفهوم برای مدتی بیش از دو هزار سال به قلمفرسایی پرداخته‌اند. ایده‌ی معاصر شهروند در رابطه با دولت مدرن آن‌گونه که در اروپا و توسعه یافت و به تمامی دنیا گسترش یافت، توسعه پیدا کرد. استعمارگرایی و تفوق دیدگاه‌های غربی در بنیان نهادن این مفاهیم به عنوان هنجاری جهانی نقش بسزایی ایفا کردند. نه تنها کلّ دنیا به دولت‌های متمایزی تقسیم گردیده‌اند [بلکه مفهوم] شهروندی به عنوان چهارچوبی بنیادین درآمده است که در آن حقوق هر فرد انسان تصریح گردیده‌است.

مباحث مرتبط با مفهوم شهروندی در گفتمان اسلامی سنتی در زمینه‌ی توسعه‌ی جامع‌های ارزش‌مدار و متوازن به اجرا درمی‌آمد. فارابی، فیلسوف برجسته‌ی قرن دهم، با الهام از اثر افلاطون نقش شهروند در شیوه‌ی حکومت اسلامی را توصیف می‌نماید. او می‌نویسد که زمانی که شهروند مدینه‌ی فاضله به وظایف مدنی خود به درستی عمل می‌نماید "از طریق این اعمال وی مراتب متعالی روح را بدست می‌آورد." در این جهان بینی عمل مدنی، تقوا و رشد روحانی به شکل مرتبط با یکدیگر در نظر گرفته می‌شوند.

تمدن اسلامی سنتی توسط جوامع مدنی‌ای که دارای استقلال نسبی از حکام بودند، تعریف می‌شود. نهادهای عمومی مانند مدارس و بیمارستان‌ها اغلب از طریق بنیادهای خیریه تأسیس می‌شدند، حتی قانون‌گذاری توسط نظام قضایی نسبتاً مستقلی توسعه یافته و اداره می‌گردید. مقررات تجاری توسط اتحادیه‌های صنفی برقرار می‌گردید. مفهوم شهروندی نه از طریق عمل فردی بلکه از طریق عضویت در این تشکیلات (غیر دولتی) متنوع اعمال می‌گردید. این سازوکارهای اجتماعی در اثر پیامدهای استعمار و برآمدن دولت‌های خودکامه تقریباً به صورت کامل از بین رفته‌اند.

دولت‌های معاصر با اکثریت مسلمان (نظام‌هایی که بیش از پنجاه درصد از جمعیت آنها مسلمان می‌باشند) عموماً تمایل دارند که موضع مبهمی را در ارتباط با مفهوم شهروندی اتخاذ نمایند. این مفهوم غالباً از طریق چهارچوب قومیت در نظر گرفته می‌شود. تعریف شهروندی تمایل دارد که از طریق سازوکاری که به موجب آن تابعیت فرزندان از روی تابعیت والدینش تعیین می‌گردد (ارتباط خونی) به جای سازوکاری که شهروندی بر مبنای کشور محل تولد تعیین می‌گردد (ارتباط خاکی)، تعریف گردد. بنابراین ارتباط با مهاجران حتی زمانی که ایشان سرزمین مادری را ترک می‌نمایند، پابرجا برقرار می‌ماند - این امر مهاجران پراکنده شده را حتی بعد از دهه‌ها غیبت با میهن اولیه مرتبط می‌نماید. اگرچه ممکن است که فردی تابعیت کشوری دیگر را بدست آورده باشد، اما دولت کشور محل تولد هنوز وی را به عنوان تبعه‌ای بر اساس قوانین خویش به شمار می‌آورد. غالباً سلب تابعیت اولیه‌ی فردی در یک کشور دارای اکثریت مسلمان از وی بسیار مشکل است.

هنجارهای شهروندی در بسیاری از نظام‌های دارای اکثریت مسلمان مورد تاکید و توجه می‌باشند. محیط‌های سیاسی خودکامه تمایل هستند که آزادیهای اتباع نظام‌های دارای اکثریت مسلمان معاصر

را محدود نمایند. [در این گونه محیط‌ها، بنیان] خصیصه‌های فردگرایی، برابری، توانایی مشارکت در حوزه‌ی عمومی، آزادی‌های سیاسی و یک نظام کاملاً حامی حقوق [شهروندانش] در زمینه‌های لرزان بنا گردیده‌است. این [ویژگی‌ها] هر از گاهی دارای منشاء "غربی" و نامناسب برای جوامع مسلمان در نظر گرفته می‌شوند.

آرمان جامعه‌ی اسلامی جهانی (امّت) عاملی کلیدی در تشخیص هویت شخصی فراملی و هویت اجتماعی مسلمانان است. باوری بسیار عمیق وجود دارد مبنی بر اینکه جمعیت بیش از یک میلیاردی پیروان اسلام در سراسر عالم یک "امّت" را تشکیل می‌دهند. این مفهوم معمولاً با ایده‌ی شهروند به عنوان فردی که در دایره‌ی مرزهای [جغرافیایی] یک کشور زندگی می‌کند، دارای همپوشانی و در عین حال غالباً در تناقض است. در عالم واقع، ایده‌ی امّت [اسلامی] در رفتار با جمعیت مهاجران دیگر کشورها صرف نظر از اینکه ایشان مسلمان هستند یا نه، اغلب مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد. از سوی دیگر گاهی این ایده بر تجسم‌بخشی اقلیت‌های غیر مسلمان به عنوان اتباع یک کشور دارای اکثریت مسلمان اثر می‌گذارد.

با این وجود مفهوم امّت [اسلامی] به عنوان ملت مسلمان جهانی به عنوان مفهومی انعطاف‌پذیر باقی می‌ماند. همان‌گونه که فرآیند مفهوم آفرینی غربی برای ایده‌ی شهروند دچار تکامل گردیده‌است، امکانی از همگرایی با این ایده‌ی اسلامی [نیز] محتمل به نظر می‌رسد. مفهوم در حال شکل‌گیری شهروندی چندلایه در اتحادیه‌ی اروپا (محلی، ملی و قاره‌ای) به نظر می‌رسد که امکاناتی را برای گشایش بحث‌های جدید در رابطه با این موضوع در سطح بین‌المللی فراهم می‌آورد. در این گونه مباحث ضروری است که حقوق اقلیت‌ها و همچنین به رسمیت شناختن [ویژگی] فرا-امّتی مهاجران پراکنده‌شده در نقاط مختلف جهان به رسمیت شناخته شود.